

## **A Comparative Study of Belief in Human Freedom in the Thoughts of William Blake and Rumi**

Zahra Iranmanesh<sup>۱</sup>

### **Abstract**

One of the fields of study in comparative literature is the study of subject matter, position, literary expression and the like in the works of poets. The main aspects of comparative study are subject and thought and feeling. The aim of this research is to compare the human belief in freedom in Blake and Rumi's poems with a descriptive-analytical method. To understand the connection between world and Iranian literature and the extent to which different writers are influenced by each other, it is necessary to conduct global comparative studies. In this research, the thought of Rumi and Blake in poetry is important and is examined. In this study, it has been concluded that Blake's calm spirit is not completely compatible with the situation of the society of his time and shows his attitude towards the freedom of these spirits. Kingdom, materialism and scientism, unity of existence and attention to the inner world of man and imagination are among the signs of the Iraqi style that exist in Rumi's poems, and these signs can also be seen in Blake's poems. Rumi's freedom is mystical and individual and is expressed by leaving worldly belongings and spiritual and personal attachments. In contrast, Blake's freedom is social and political.

**Keywords:** William Blake, Rumi, Human Freedom, Comparative Literature.

---

<sup>۱</sup> Faculty member of Kerman Farhangian University, Kerman, Iran.Iranmanesh. (Corresponding author)  
zahra@yahoo.com

## References

### Bibliography

#### A) Books

- Abjadian, Amrollah, ۲۰۰۴, *History of English Literature*, (Volume ۷: Romantic Poets), Second Edition, Shiraz: Shiraz University.
- Akbari, Manouchehr, ۲۰۰۷, *Collection of articles on the marriage of Parvin Etesami*, first edition, Tehran: Book House.
- Berlin, Isaiah, ۱۹۸۹, *Four Articles on Freedom, Translated by Mohammad Movahed*, Third Edition, Tehran: Institute for the Establishment of Rational Scientific and Research Studies.
- Blake, William, ۲۰۰۲, *an Island in the Moon (Selection of Love Poems)*, Translated by Houshang Rahnama, Third Edition, and Tehran: Hermes.
- \_\_\_\_\_ ۱۳۹۴, *The Carpenter of Heaven and Hell, Omid Shams*, First Edition, Tehran: Pars
- Travik, Buckner, ۱۳۷۳, *History of World Literature, translated by Arab Ali Rezaei*, third edition, Tehran: Forouzan Rooz Publishing and Research.
- Sarvat, Mansour, ۲۰۰۶, *Introduction to Literary Schools*, First Edition, Tehran: Sokhan.
- Jafari Jazi, Massoud, ۱۹۹۹, *the Course of Romanticism in Europe*, Fifth Edition, Tehran: Center.
- Jafari, Mohammad Taghi, ۲۰۰۳, *Factors of Attraction of Rumi's Sayings*, First Edition, Tehran: Allameh Jafari Publishing House.
- Shafiee Kadkani, Mohammad Reza, ۲۰۰۱, *Persian Poetry Periods*, First Edition, Tehran: Sokhan.
- Shamisa, Sirus, ۲۰۰۳, *Poetry Stylistics*, Second Edition, Tehran: Ferdows.
- Chevrol, Eve, ۲۰۰۳, *Comparative Literature, Translator, Tahmourth Sajedi*, Second Edition, Tehran: Amirkabir.
- Soortgar, Lotf Ali, ۱۹۹۳, *History of English Literature*, First Edition, Tehran: Amirkabir.
- Abdolhakim, Ikram et al., ۱۹۹۱, *Rumi, Nietzsche and Iqbal, translated by Mohammad Baghaei (Makan)*, second edition, Tehran: Hekmat.

Forouzanfar, Badi'at al-Zaman, ۱۹۸۲, *Masnavi Hadiths*, third edition, Tehran: Amirkabir.

Maulana, Jalaluddin, ۱۹۸۴, *Masnavi Manavi*, by Mohammad Reza Barzegar Khaleghi, third edition, Tehran: Zavar.

\_\_\_\_\_, ۱۹۹۶, *Masnavi Manavi*, edited by Reynold Nicholson, sixth edition, Tehran: Toos

Mill, John Stewart, ۱۹۸۴, a treatise on freedom, translated by Javad Shaykh al-Islam, first edition, Tehran: Scientific and Cultural.

## B) Papers

Behnamfar, Mohammad and Roshan, Hassan, ۱۳۹۸, *A Comparative Study of the Concept of Freedom in Rumi's Thought and the School of Humanism*, Comparative Literature Research, Volume ۷, Number ۴, pp. ۱۶۲-۲۰۰.

Khadem, Maryam, ۲۰۱۱, *Romanticism from England to Iran A look at the effects of the school of Romanticism in the poetry of William Blake and Parvin Etesami*, Research Journal of Epic Literature (Research Journal of Culture and Literature), Volume ۷, Number ۱۲, pp. ۱۳۱-۱۶۰.

Khosronejad, Morteza, ۱۹۹۹, *"Innocence and Experience" in Children's Poetry, an attempt to compile a "Theory of Criticism of Children's Literature"*, Journal of Social Sciences and Humanities, Shiraz University, Volume ۱۵, Number ۱, pp. ۸۵-۱۱۲.

Rezvanian, Ghodsieh and Hedayatnejad, Fatemeh, ۲۰۱۵, *A Comparative Study of Romantic Components in the Poetry of Sohrab Sepehri and William Blake*, Comparative Literature (Literature and Language, Journal of Kerman Faculty of Literature and Humanities), Volume ۷, Number ۱۳, pp. ۱۰۱-

Rouhani, Reza, ۲۰۰۵, *Rumi and Azadi*, Journal of Mystical Studies, p. ۱۱۴.

Alizadeh Emamzadeh, Mohammad Reza, ۲۰۱۱, *A Comparative Study of the Concept of Freedom and Its Examples in the Thoughts of Carl Jaspers and Rumi*, Baharestan Sokhan (Persian Literature), No. ۱۸, pp. ۱-۳۰.

Ghaderi Sohei, Behzad and Jan Nesari Ladani, Zahra, ۲۰۰۹, *Utopia or Wisdom Labyrinth? William Blake's Table with Francis Bacon*, Foreign Language Research, No. ۵۴, pp. ۷۷-۸۷.

Keshavarz, Masoud and Rostami, Fereshteh, ۲۰۰۵, *A Study of the Function of Imagination in the Poems of Foroukh Farrokhzad and Sohrab Sepehri Based on the Calleridge Perspective*, Persian Language and Literature Quarterly, First Year, No. ۳, pp. ۱۰۵-۱۳۲.

Moharremi, Ramin, ۲۰۰۹, *Critique of the freedom of human will in the spiritual Masnavi*, Quarterly Journal of Literary Research, Volume ۶, Number ۲۵, pp. ۱۳۹-۱۵۴.

Vafaeifard, Zohreh and Kazazi, Mir Jalaluddin, ۲۰۱۵, *The concept of freedom in the thought of Hafez and Rumi and its application to the thinking of existentialism*, Journal of Comparative Literature Studies, Year ۹, No. ۳۳, pp. ۵۱-۶



فصل‌نامه علمی جستارنامه ادبیات تطبیقی

سال ششم، شماره بیست و یکم، پاییز ۱۴۰۱

## بررسی تطبیقی باور به آزادی انسان در اندیشه‌های ویلیام بلیک و مولانا

زهرا ایرانمنش<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۴

صص (۷۰-۵۰)

### چکیده

یکی از زمینه‌های مطالعاتی در ادبیات تطبیقی بررسی موضوع، جایگاه، بیان ادبی و مواردی از این قبیل در آثار شاعران است. جنبه‌های اصلی بررسی تطبیقی، موضوع و اندیشه و احساس است. هدف پژوهش این است که با روش توصیفی - تحلیلی باورمندی انسان نسبت به آزادی را در اشعار بلیک و مولانا را با یکدیگر مقایسه کند. برای شناخت پیوند ادبیات جهان و ایران و میزان تأثیرپذیری ادیبان گوناگون از یکدیگر ضروری است که مطالعات تطبیقی جهانی انجام شود. در این پژوهش اندیشه مولانا و بلیک در اشعار مهم است و بررسی می‌شود. در این پژوهش این نتایج حاصل شده است که روحیه آرام بلیک کاملاً با وضعیت جامعه روزگار خود سازگار نبوده و نگرش او نسبت به آزادی این روحیاتش را نشان می‌دهد. ملکوت، مادی‌گرایی و علم‌پرستی، وحدت وجود و توجه به جهان درونی انسان و تخیل از جمله نشانه‌های سبک عراقی است که در اشعار مولانا وجود دارد و این نشانه‌ها در اشعار بلیک هم به چشم می‌خورد. آزادی مولانا عرفانی و فردی است و با ترک تعلقات دنیوی و دلبستگی‌های معنوی و فردی بیان می‌شود. در مقابل آن آزادی بلیک اجتماعی و سیاسی است.

واژه‌های کلیدی: ویلیام بلیک، مولانا، آزادی انسان، ادبیات تطبیقی.

<sup>۱</sup> ایرانمنش، زهرا، عضو هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان کرمان، کرمان، ایران. (نویسنده مسئول) Iranmanesh.zahra@yahoo.com

## ۱- مقدمه

زمینه اصلی و ریشه این پژوهش در ادبیات تطبیقی است که آن «اقدامی عقلایی است که با هدف مطالعه و بررسی ساخت‌های هنری هر اثر و یافت افکار جزئی در ایجاد یک اثر ادبی می‌پردازد. در ادبیات تطبیقی انواع ادبی که مختص برخی از ملت‌ها است ولی انعکاس آن را در ادبیات سایر ملل است، بررسی می‌شود.» (شورل، ۱۳۸۲: ۲۴)

روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی با ابزار کتاب‌خانه‌ای است. هدف اصلی پژوهش این است که باورمندی انسان نسبت به آزادی در اشعار بلیک و مولانا با یکدیگر مقایسه شود. برای شناخت پیوند ادبیات جهان و ایران و میزان تأثیرپذیری ادیبان گوناگون از یکدیگر ضروری است که مطالعات تطبیقی جهانی انجام شود. در تطبیق اشعار این دو شاعر تکیه اصلی بر بررسی اندیشه مولانا و بلیک است. با تحلیل تطبیقی افکار مشترک و میزان تأثیرپذیری و تأثیرگذاری فکری و سبکی آشکار می‌شود. در واقع تمامی زمینه‌های مرتبط با شاعران از جمله موضوع، جایگاه، بیان ادبی و مواردی از این قبیل بررسی می‌شود. دو جنبه اصلی بررسی تطبیقی موضوع و اندیشه و احساس است. این تحلیل‌ها و تطبیق‌ها بر مبنای مکتب آمریکایی بررسی و ارزیابی می‌گردد. در این مکتب برای مطالعه تطبیقی محدودیت و مرزی وجود ندارد و برای بررسی اندیشه‌ها در پس هر مرزی زمینه کافی دارد.

ویلیام بلیک (William Blake) در ۲۸ نوامبر ۱۷۵۷ در لندن زاده شد. در سال‌های ۱۷۷۱-۱۷۷۹ به مطالعه کتاب‌های فلسفی و شعر مدرن می‌پرداخت. از زمانی که چهار سال بیشتر نداشت، تصاویر ذهنی خلق می‌کرد. کارهای او ترکیبی از تصاویر ذهنی‌اش، ظلم و ستم، مرگ، باورها و رویاهایش بوده است. او علاوه بر شاعری نگارگری نیز می‌کرد و از همان سال‌های آغازین، فرشتگان و راهبان خیالی را به تصویر می‌کشید و جبرئیل و مریم و شخصیت‌های دیگر را می‌دید و با آنان سخن می‌گفت. او در ۱۸۲۸ فوت کرد. (رک صورتگر، ۱۳۷۲: ۱۰۹-۱۱۰)

با توجه به این‌که مکتب شعری بلیک رمانتیسم بوده، او به مطالعات کتاب‌های فلسفی و شعر مدرن نیز می‌پرداخت. تجربه‌های رازآلود بعدی او در زندگی الهام‌بخش بسیاری از اشعار او در آینده شد. از چهار سالگی تصاویر ذهنی می‌دید به همین علت کارهای او ترکیبی از تصاویر ذهنی‌اش، ظلم و ستم، مرگ، باورها و رویاها بود. (رک ابجدیان، ۱۳۸۳، ج ۷: ۲۱۵-۲۱۶)

با بررسی اندیشه‌های مرتبط با موضوع پژوهش، درباره روند تأثیر ذهنی و اجتماعی فعالیت‌های او بر استعداد و خواسته‌های ادبی‌اش می‌توان گفت که ویلیام بلیک عارفی جامعه‌گرا است. او

با بیانی رمانتیک اندیشه‌های عرفانی و دوستانه را بازگو می‌کرد. (ر.ک تراویک، ۱۳۷۳: ۲۱۱) تلفیقی از جامعه‌شناسی ادبی اشعار او و مکتب برگزیده ادبی بلیک است.

درباره سبک شعری و قالب اشعار بلیک ترانه‌سرایی و تغزل‌های او همواره معرفی شده است. او به دنبال سنت‌گریزی خلاف روند فعالیت ادبی معاصران خویش بوده و از خود ابداعات ادبی نیز انجام می‌داده است. به گفته رهنما دیوان «طرح‌های شاعرانه» بلیک ناخرسندی او را از سنت حاکم شعری و کاوش بی‌امان او در پی قالب‌ها و تکنیک‌های نوین آشکار می‌کند. او برای مدل سروده‌های تغزلی به شاعران دوران الیزابت و اوایل سده هفتم روی آورد و از سبک غالب الکساندر پوپ دوری کرد. قافیه‌های مقطع و اوزان مرکب و جدید به کار گرفت. مجازی‌های بدیع را به کار گرفت که گاه به قدرت بیانی سمبلیک نزدیک می‌شود. (ر.ک بلیک، ۱۳۸۱: مقدمه)

درباره سبک و جایگاه و آثار مولانا که شاعر و عارف مشهور قرن هفتم است باید گفت که آثار مکتوب نظم و نثر او عبارتند از: غزلیات، فیه ما فیه (که شامل تقریرات اوست)، مکاتیب (که شامل برنامه‌ها و مکتوبات اوست) و مثنوی. محمد تقی جعفری درباره دوران و وضعیت زمانه مولانا گفته است: مولانا در روزگاری افکارش را فرموده است که اکثریت جامعه غرق گرداب تعصبات مذهبی بودند. جنگ‌های صلیبی هنوز پایان نیافته بود. فرقه‌های اسلامی خون همدیگر را می‌ریختند. مدرسه‌های همدیگر را ویران می‌کردند. کتاب‌ها و کتاب‌خانه‌ها را در آب می‌شستند یا در آتش می‌سوزاندند. پیروان دیگر، اهل ذمه را خوار می‌داشتند و به هنگام فرصت خانه‌های آنان را به تاراج می‌بردند و این عمل ناصواب را وسیله اجر اخروی و صواب می‌پنداشتند. (ر.ک جعفری، ۱۳۸۲: ۱۳۱)

تأثیرگذاری و جایگاه مولانا چنان بالا بود که عطار کتاب «اسرارنامه» خود را به مولانا هدیه کرد و گفت «زود باشد این پسر تو آتش در سوختگان عالم زند.» (فروزانفر، ۱۳۶۱: ۱۱) در واقع در بین عارفان نیز جایگاه بالایی داش و سرآمد بود.

در تحلیل و تطبیق اشعار مولانا و بلیک اثر «مثنوی معنوی» مدنظر است، زیرا در این اثر به مفهوم آزادی با ابعاد گوناگون اشاره شده تا حدی که قابلیت کافی برای بررسی دارد. مولانا در سطح گسترده‌تری در «مثنوی معنوی» درباره آزادی و انواع آن صحبت کرده و این بسامد بالای سخن‌گویی از انواع آزادی تفاوت سبک فکری او با بلیک را برجسته کرده است.

بیشتر اشعار و آثار بلیک از زبان فرانسوی به فارسی ترجمه نشده است، به همین دلیل در این پژوهش دو اثر ویلیام بلیک با عنوان «جزیره‌ای در ماه (گزیده اشعار عاشقانه)» با ترجمه هوشنگ رهنما و «وصال بهشت و دوزخ» با ترجمه امید شمس بررسی شده است.

## ۱-۱- اهمیت و بیان مسئله

آزادی انواع گوناگونی دارد که به تناسب شرایط در زمینه‌های فردی، سیاسی و اجتماعی و ذهنی نمود پیدا می‌کند. از نظر استوارت میل دست‌یابی به آزادی زمانی است که فرد «از قید و اجبار رهایی یافته است که مطابق میل و تشخیص خود بتواند فکر کند و عمل نماید و فرصت شکوفاسازی خود را داشته باشد.» (میل، ۱۳۶۳: ۷۸)

از نظر برلین جنبه درونی و ذهنی آزادی برای انسان چنین بوده که «آزادی به معنی صاحب اختیار و ارباب بودن است و در معنی که کسی مانع انجام کاری نشود، دو چیز جداگانه است.» (برلین، ۱۳۶۸: ۲۵۰)

به‌کارگیری مفهوم آزادی در ادبیات منظوم و منثور فارسی بیشتر در موضوع عرفان مطرح شده و جنبه درونی و ذهنی دارد. نشانه‌های وجود همانندی در سبک فکری و نگرش بلیک و مولانا به مسائل گوناگون از جمله آزادی این بوده است که «دور شدن از ملکوت، مادی‌گرایی و علم‌پرستی، وحدت وجود و توجه به جهان درونی انسان و تخیل را می‌توان از جمله اندیشه‌های محوری و دغدغه‌های فکری این شاعر و هنرمند انگلیسی دانست. این مفاهیم در قالبی شبیه آنچه که سبک عراقی نامیده می‌شود شکل گرفته و هم‌سانی با تصوف اسلامی و به خصوص اندیشه‌های مولانا در مثنوی معنوی و غزلیات شمس دارد.» (ابجدیان، ۱۳۸۳، ج ۷: ۱۲۰)

بینش دینی همراه با آزاداندیشی در اشعار بلیک وجود دارد که او را همانند بسیاری از عرفای عزلت‌اندیش و همواره منتقد در جهان کرده است.

در این پژوهش سعی بر این است که با رویکرد تطبیقی، باور به آزادی انسان در اندیشه‌های ویلیام بلیک و مولانا بررسی شود. دلیل انتخاب این دو شاعر برای بررسی این موارد است که افکار و ویژگی‌های مشابه مولانا با بلیک در مثنوی معنوی به چشم می‌خورد. هر دو شاعر دارای احوالات عرفانی و اندیشه‌های رمانتیک‌مندی مشترک در ابعاد گوناگون هستند.

## ۲-۱- پیشینه پژوهش

در حدود بررسی‌های نگارنده، درباره موضوع پژوهش حاضر تاکنون در قالب کتاب پژوهش و بررسی انجام نشده و بیشتر مقاله‌هایی که انجام شده برگرفته از پایان‌نامه‌ها است؛ به همین علت در این بخش تنها به مقاله‌های پیشینه موضوع اشاره می‌شود. از مهم‌ترین مقاله‌های فارسی که درباره ویلیام بلیک و مولانا انجام شده، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:



قادری سهی و جان‌نثاری لادانی (۱۳۸۸) در مقاله «آرمان‌شهر یا هزارتوی خرد؟ جدول ویلیام بلیک با فرانسیس بیکن» شیوه کار، ساختار، و میزان پویندگی دو نویسنده را در آتلانتیس نو و کتاب یوریزن می‌سنجند. از نظر آن‌ها بیکن به دنبال آرمان‌گرایی خویش در تصویری آرمانی از جامعه‌ای است که با مفاهیم علمی تجربه‌گرایی و مصلحت‌گرایی خو گرفته است. بلیک از همان جامعه علمی، ضد آرمان‌شهری می‌سازد.

خادم (۱۳۹۰) در مقاله «رمانتیسیم از انگلیس تا ایران نگاهی به جلوه‌های مکتب رمانتیسیم در شعر ویلیام بلیک و پروین اعتصامی» به مقایسه تحلیلی تجلی رمانتیسیم شعر «دودکش پاک‌کن» ویلیام بلیک و «طفل یتیم» پروین اعتصامی پرداخته است. در شعر هر دو شاعر یکی بودن وضعیت انسان در جهان پیداست و انسانی است که به خاطر زندگی در جامعه سازمان‌یافته همواره رویارو با مسائلی مشابه است.

علیزاده امام‌زاده (۱۳۹۰) در مقاله «بررسی تطبیقی مفهوم آزادی و مصادیق آن در اندیشه‌های کارل یاسپرس و مولوی» بیان کرده که تفاوت مولانا و یاسپرس علاوه بر تخصص و گرایش عرفانی، در دین و مکتبی که در آن تربیت یافته‌اند. در تفکر مولانا، انسان مقام والا و برتری دارد ولی هرگز این جایگاه انسان، منافی خود جهان هستی و مقام برتر حضرت آفریننده انسان نیست؛ ولی در نظریه یاسپرس، وجود در کل دارای سه مرتبه وجود عینی، وجود متعال و وجود انسان است.

رضوانیان و هدایت‌نژاد (۱۳۹۴) در مقاله «بررسی تطبیقی مولفه‌های رمانتیک در شعر سهراب سپهری و ویلیام بلیک» به بررسی مولفه‌های شاخص رمانتیسیم (Romanticism) هم‌چون طبیعت، تخیل، توجه به احساسات و عواطف، فردگرایی، اندوه و انزوا، آرمان‌گرایی، کودکی، عشق و مذهب در شعر سهراب سپهری و ویلیام بلیک پرداخته است.

مظاهری و علی‌زمانی (۱۳۹۶) در مقاله «بررسی مواجهه با رنج آزادی اگزیستانسیال و راه‌های گریز از رنج آزادی از منظر اروین یالوم و مولانا»: در این مقاله بیان شده که مهم‌ترین عامل رنج‌زا بودن آزادی در اندیشه یالوم نوع معرفت‌شناسی اگزیستانسیالیستی است که معتقد است انسان در این دنیا پرتاب شده است و برای ساخت خویش نه قانونی در اختیار دارد و نه مبداء ماورایی وجود دارد تا او را راهنمایی دهد، اما در معرفت‌شناسی مولانا هم خدا وجود دارد هم قانون؛ ولی آنچه باعث رنج‌زا شدن آزادی انسان می‌شود نحوه عمل کردن به این قانون است.

بهنام‌فر و روشان (۱۳۹۸) در مقاله «بررسی تطبیقی مفهوم آزادی در اندیشه مولانا و مکتب اومانیسیم» بیان کرده‌اند که مولانا از منظر دینی و نگاه عرفانی به آزادی می‌نگرد و بهترین نوع

آزادی را بندگی خداوند و حریت و رها شدن از تعلقات زندان‌های درونی می‌داند، البته در این میان به ابعاد اجتماعی آن نیز توجه دارد. از نگاه عرفا و از جمله مولانا، تا انسان به آزادی درونی نرسد، نمی‌تواند به آزادی بیرونی دست یابد. این در حالی است که اومانیست‌ها که نگاه انسان‌مدارانه دارند، معتقدند: آزادی انسان در طبیعت و توسط خود او به دست می‌آید نه به وسیله قدرتی مافوق یا ماورایی. اومانیست‌ها به آزادی بی‌قید و شرط انسان در حوزه‌های فکری، سیاسی، شخصی و بیان، اعتقاد دارند و هیچ چیز را به عنوان مانع این امر قبول نمی‌کنند.

## ۲- بحث (بررسی تطبیقی باور به آزادی انسان در اندیشه‌های ویلیام بلیک و مولانا)

### ۲-۱- آزادی از دیدگاه ویلیام بلیک

در اصل آزادی در اشعار بلیک دو جنبه فردی و اجتماعی دارد ولی آزادی‌های معنوی در آثار او کمتر به چشم می‌خورند:

### ۲-۱-۱- آزادی اجتماعی

انقلاب فرانسه و جنبه خشونت آن زمینه و دلیل اصلی بوده تا بلیک جنبه اجتماعی آزادی را در تقابل با ظلم، مشکلات و زندگی سخت در دوره‌اش نشان می‌دهد. فضای سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه بلیک مستبدانه بوده که شاعر شکست خورده است. جریان‌های اجتماعی ضد روشنگری و عقلانیت و سرمایه‌داری اروپایی دلیل اصلی افکار آزادی‌خواهی اجتماعی بلیک شد: «من به این بهشت‌هایی که بر روی ظلم بنا شده است، پشت می‌کنم.» (بلیک، ۱۳۸۱: ۴۴) به گفته موریس بورا: «ارزیابی حزن‌انگیز بلیک از محدودیت‌هایی که روح زندگی را به اسارت درآورده، نابود می‌کند تنها یک پدیده فردی نبوده، بلکه انتقاد او از اجتماع و گرایش کلی تمدن معاصرش بود. قلب مهربان او از رنجی که جامعه بر اعضای فرودست خویش تحمیل می‌کرد و از ناگزیری نابودی انسانیت در اجرای جدی قوانین و مقررات اجتماعی، زخم برمی‌داشت و به خروش می‌آمد.» (خسرونزاد، ۱۳۷۸: ۸۸)

بلیک در «طول زندگی خود همواره با فقر و قناعت روزگار می‌گذراند و همیشه اهداف بزرگتری نسبت به یک زندگی روزمره در سر می‌پروراند. انسان‌دوستی، صلح‌جویی و آزادی‌خواهی از جمله اندیشه‌هایی بودند که او در پی آنها بود. می‌توان ویلیام بلیک را عارفی جمع‌گرا دانست. ردپای این اندیشه‌ها در اکثر شعرهای بلیک به وضوح دیده می‌شود. او با بیانی

رمانتیک این اندیشه‌های عرفانی و دوستانه را بازگو می‌کرد.» (صورتگر، ۱۳۷۲: ۱۱۹) به همین علت اثرات جامعه‌ صنعتی و بورژوازی را با مفاهیم متضاد آزادی بیان می‌کند. با بیان اسارت فردی سختی نداشتن آزادی اجتماعی در آن زمان را نشان می‌دهد:

«هنگامی که مادرم مرد، من خیلی کوچک بودم، وقتی آنقدر بزرگ شدم که می‌توانستم با زبان کودکانه‌ام فریاد بزنم: دودکش پاک می‌کنیم! پدرم مرا به کارفرمایان فروخت.» (اکبری، ۱۳۸۶: ۱۱۸)

بلیک از جنبه عمومی هم به آزادی می‌نگرد:

«ما نمی‌توانیم آزاد باشیم مگر این‌که همه آزاد شوند زیرا کمتر از همه نمی‌توانند انسان را راضی کند.»

پرنده‌ای که برای سرخوشی آفریده شده است.

چگونه می‌تواند در قفس بنشیند و آواز بخواند.

کودک وقتی از آزار، می‌ترسد، چگونه می‌تواند (شاد باشد)؟

فقط (می‌تواند) بال ظریفش را (هم‌چون آن پرنده در قفس) به زیر اندازد،

و بهار جوانیش را فراموش کند.

قانون درباره آزادی انسان حکم می‌کند:

اورشلیم نیست، دخترانش ناپیدایند

انسان تنها با تظاهر، می‌تواند زندگی کند و نه ایمان

در اینجا من قوانین اخلاقی خویش را می‌سازم.

انسانیت چیزی بیشتر نخواهد بود فقط جنگ و سلطنت و پیروزی.» (بلیک، ۱۳۸۱: ۱۴)

بلیک معتقد است خودجوشی درونی بر تقلید و تعلیم برتری دارد:

بره‌های خشمگین عاقل‌تر از اسب‌های تعلیم یافته‌اند.» (بلیک، ۱۳۸۱: ۲۱۹) با توجه به این شعر

ترغیب دیگران و خواسته قلبی بلیک برای مبارزه مشخص است.

گاهی بلیک آزادی را در جنبه اجتماعی‌اش مانند یک آرزو و معجزه می‌داند. با توجه به مکتب

رمانتیک‌سی که دارد ریشه خواسته او این است که «هنرمند رمانتیک تخیل و امید و آرزو را

جانشین حقیقت می‌سازد. پیش از تقلید پایبند تصور است و هنر خود را با مبالغه می‌آمیزد. یعنی

آن‌چه که هست نمی‌گوید بلکه از آن‌چه باید باشد بحث می‌کند و از طریق کاوش در ذهن خود به

دنبال کشف ناشناخته‌هاست.» (ثروت، ۱۳۸۵: ۸۸)

یکی از اصول مکتب رمانتیسم آزادی است، در زمان انقلاب صنعتی «طبقه متوسط که در کار قد برافراشتن بود و هر دم می‌کوشید تا به وسیله شعارهای تجارت آزاد، وجدان آزاد، حکومت آزاد، مردم را برانگیزاند، احتیاجی مبرم به هنرمندی داشت که بتواند پرچم آزادی را در اقلیم ادبیات نیز برافرازد. این حاجت را نویسنده رمانتیک، فرد آزاد، می‌توانست برآورد که به دلخواه و مطابق تخیلات بی‌قید و بند خود می‌نوشت. از این لحاظ رمانتیسم جنبه انقلابی داشت و برای نخستین بار پس از قرون وسطی، هنرمند را از زنجیر سنت‌ها آزاد کرد.» (همان: ۵۴-۵۳)

با توجه به موقعیت تاریخی، هنرمند رمانتیک «طعم آزادی را چشیده بود و مفهوم آن را در عملکرد فردی تصور می‌کرد. او با نفی تمام قیود، آزادی اندیشه و آزادی بیان اندیشه را برای خود و در مقام نویسنده مطالبه می‌نمود.» (ثروت، ۱۳۸۵: ۶۰)

بلیک از ستم می‌گوید تا آزادی از ظلم را نشان دهد:

«ستم، قلبی انسان دارد/ و حسادت، سیمایی انسانی/ ترس، شکل الهی انسان/ و رازداری، پوشش انسانی/ پوشش انسان، [چون] آهنی تفتیده/ کوره‌ای آتشین را می‌سازد/ و سیمای انسان کوره‌ای مهر و موم شده است/ و قلب انسان در تنگنای آز» (بلیک، ۱۳۸۱: ۲۲).

بلیک از موتیف‌های واژگانی مربوط به ظلم و ضد ظلم استفاده می‌کند تا آزادی و فردیت را در نهان آن نشان دهد:

«من شنیدم فرشته‌ای می‌خواند،/ آن هنگام که روز در شرف ظهور بود./ بخشش، شفقت، صلح/ [راه] رهایی دنیاست/ [...] باران سنگینی فروریخت/ فراز دانه‌های تازه درو شده  
فزونی بدبختی‌ها/ بخشش و شفقت و صلح است.» (بلیک، ۱۳۸۱: ۱۲).

ریشه بیان این مفاهیم متضاد با آزادی این است که بلیک در تمامی اشعارش بسیار از صنعت تضاد بهره می‌برد.

با توجه به این موتیف‌های واژگانی «دو اصل آزادی و عدالت در زندگی شخصی بلیک یا آنچه او در زندگی حجمی (مادی) در برابر زندگی روحی (معنوی) می‌نامد، انگیزه‌های کنش انتقادی او نیز بودند. روایت‌هایی که زندگی‌نویسان از برخی رویدادهای زندگی بلیک آورده‌اند گویای نابردباری و پرخاشگری خودجوش و غریزی او در برابر ستم‌های اجتماعی فرادستان است.» (بلیک، ۱۳۸۱: ۱۵)

ترغیب به تلاش برای آزادی حتی با سختی در اشعار بلیک جنبه سیاسی اجتماعی واضحی دارد:

«ساحل آلبیون بیمار و ساکت است. چمن‌زاران آمریکا از حال می‌روند.  
سایه‌های پیش‌گویی جملگی بر کرانه دریاچه‌ها و رودها می‌لرزند و در سراسر اقیانوس پیچ‌پیچ می‌کنند؛ فرانسه، محبسه‌ات را از هم بدر!  
اسپانیای طلایی، حصارهای رم کهن را درهم شکن!  
ای رم! کلیدهایت را به قلب اقیانوس بیفکن، روان به اعماق، حتی تا ابد روان به اعماق  
عنصر کهن بیدار گشته از خواب ابدی‌اش، غران و نعره‌زنان گریخت.  
شاه حسد بال‌زنان در خلاء با مشاوران اخم‌آلود، جنگ جویان رعدآسا، کهنه سربازان موج در میان  
کلاه‌خودها، زره‌ها، ارباب‌ها، اسب‌ها، فیل‌ها، بیرق‌ها، دژها، منجیق‌ها و سنگ‌ها به پایین یورش  
بردند.»

[...] ابرهای منقش به نفرین‌ها را به لگد می‌راند، هم‌چنان که اسب‌های ابدی را از میان  
کنام‌های شب رها می‌کند تا به زیر سم‌ها قانون سنگی را بکوبند و به خاک بدل کنند فریاد  
برمی‌آورد: امپراطوری تمام شد و حالا شیر و گرگ بس خواهند کرد.» (بلیک، ۱۳۹۴: ۳۰-۲۹)  
بیان واژگان اجتماعی هم‌چون نام کشورها با افعال کنشی برای تحریک و ترغیب، نمود تلاش  
برای آزادی را در این شعر بلیک بیشتر کرده است.

آزادی اجتماعی در اشعار بلیک و مولانا موضوع و درون‌مایه‌ای فراگیر است. با توجه به این‌که  
بلیک شاعر مکتب رمانتیسم است وجود نشانه‌های آزادی اجتماعی در اشعارش الزامی است. دامنه  
درون‌مایه‌های گوناگون در اشعار مولانا وسیع است. مولانا از آزادی روحی، فکری، جسمی،  
ذهنی، فردی و اجتماعی در اشعار او وجود دارد؛ متناسب با شرایط اجتماع ویلیام بلیک، آزادی  
اجتماعی در اشعار بلیک دارای نشانه‌های سیاسی و اقتصادی نیز هست اما این نشانه‌ها در اشعار  
مولانا وجود ندارد.

## ۲-۱-۲- آزادی فردی

در اشعاری که بلیک از ترک وابستگی و دل‌مشغولی‌های درونی صحبت می‌کند در آن‌ها به  
آزادی‌های فردی توصیه می‌نماید. جنبه عرفان رمانتیسم در این اشعار بلیک مشهود است. رمانتیسم  
عصر رنسانس «به آزادی بی‌حد فردی می‌اندیشد.» (ثروت، ۱۳۸۵: ۵۷) ویلیام بلیک انسانی آرام و

با روحیه‌ای سازگار بوده که با آرامش لحظات را سپری می‌کند. واژه‌رهای و پرنده بر آزادی معنوی و شخصی اشاره می‌کند:

«آن‌گاه که پرنندگان پر نگار / خنده سر می‌دهند در سایه زار / آن‌جا که میزهای پر گیلاس و بادام گسترده است. / بیا، زندگی کن، و شادباش و به من ببیند / تا ترانه دلنشین را را هم‌سرایی کنیم: «ها، ها، هی» (بلیک، ۱۳۸۱: ۶۲)

این آزادی فردی با تخیل آمیخته بود. بلیک «تخیل را مرکز کائنات و به شکلی آفریدگار جهان می‌نامد. او باورمند به تخیل آزاد بود. به وسیله قدرت تخیل بود که با فرشتگان خدا سخن می‌گفت.» (کشاوری و رستمی، ۱۳۸۴: ۱۱۰)

آزادی در معنای رهایی فکر در اشعار بلیک وجود دارد که یادآور آزادی بودایی و عرفان ایرانی است. بلیک این نوع آزادی را برای شخصیت کودک در اثر «دودکش پاک‌کن» ترسیم کرده است:

«هزاران دودکش پاک‌کن در یک تابوت زندانی شده بودند. فرشته‌ای که کلیدی براق در دست داشت آمد و تابوت را باز کرد. بچه‌ها را نجات داد. سپس آنها آزادانه در دشت و مرغزار بازی و جست‌وخیز می‌کردند. در رود آب‌تنی کردند و حمام آفتاب گرفتند... سوار بر ابرها شدند و در باد به بازی پرداختند.» (جعفری جزی، ۱۳۷۸: ۱۸۱)

واژه «مرغان وحشی» کنایه از افراد آزاد است. این آزادی تمام جانبه است یعنی آزادی فردی و اجتماعی را بیان می‌کند:

«لیکای نازنین / که هفت تابستان بر او گذشته / و بسیار گشته است / و آواز مرغان وحشی را شنوده است، می‌گفت: خواب نوشبن به سوی من آی! / در پای این درخت / آیا پدر و مادرم گریه می‌کنند / که لیکا کجا می‌تواند غنود؟» (بلیک، ۱۳۸۱: ۵۰)

## ۲-۱-۳- آزادی معنوی

بلیک در کتاب «وصال بهشت و دوزخ» به آزادی‌های معنوی و عرفانی بیشتر اشاره کرده است. در بند شدن معنوی انسان مفهوم متضاد با آزادی معنوی است که با بیان آن به طور غیر مستقیم به ضرورت آزادی معنوی اشاره می‌کند:

«پس فرشته به من گفت: خیالات را بر من تحمیل کردی، باید شرم کنی!» (بلیک، ۱۳۹۴: ۲۱)

نشانه نزدیکی افکار و توجه او به شرق و شاعران و عرفای شرقی کتاب «ازدواج بهشت و دوزخ» اوست، زیرا «در این اشعار بی‌گناهی و تجربه، خیر و شر و جسم و روح به گونه‌ای درهم آمیخته و وحدت یافته، ارائه شده‌اند.» (تراویک، ۱۳۷۲: ۱۰۳)

بلیک در شعر «ستاره شامگاهی» با نشانه‌هایی از تقدس عرفانی به توصیف و ترسیم زیبایی‌های این ستاره می‌پردازد. بیان عبارت «پرده کبود آسمان» در معنای حجاب شب است که وابستگی‌های دنیا را بیان می‌کند.

«ای فرشته زیباگسوی شامگاهی! اکنون/ که خورشید بر کوهساران آر미ده است؛/ مشعل تابناک عشقت را برافراز تاج نورافشانت را بر سر نه/ و بر افراز بستر شبانه ما لبخند بزن و بر مهرورزی‌های ما لبخند بزن/ و آن‌گاه که پرده کبود آسمان را فرو می‌کشی/ شبم سیم‌گونت را بیفشان» (بلیک، ۱۳۸۱: ۹)

## ۲-۲- آزادی از دیدگاه مولانا

پیشتر اشاره به سبک عراقی مولانا شد. ویژگی‌های فکری سبک عراقی که در اشعار مولانا وجود دارد یک وجه مشترک این دو شاعر است که سبب وجود اندیشه‌های مشترک درباره آزادی در اشعار آنها شده است.

دوره زمانی رواج سبک عراقی پس از حمله غزان و سلاجقه و مغولان بوده است. این تغییر و تحولات اجتماعی سبب آشفته‌گی‌ها و نابه‌سامانی‌های اجتماعی شد؛ به همین علت ادبیات این دوره «درون‌گرا، عشق‌گرا، محزون و غیر رئالیستی است و بیش از آن‌که به آفاق نظر داشته باشد، به انفس نظر دارد.» (شمیسا، ۱۳۸۲: ۲۶۰)

آزادی در اندیشه مولانا تنها جنبه عرفانی و فردی دارد. آزادی از وابستگی‌های دنیوی چون: ثروت، تن و اطرافیان مدنظر و توصیه مولانا است:

این جهان زندان و ما زندانیان      حفره کن زندان و خود را وارهان

(مولانا، ۱۳۷۵: ۹۸۲)

این دنیا زندانی است که انسان را ترغیب به حفر حفره و تلاش برای خارج شدن از آن است و انسان را از زوال آن برحذر می‌دارد:

چون جهان، رنجور و زندانی بود      چه عجب رنجور اگر فانی بود

(مولانا، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۹۵)

درباره آزادی اراده و ترک کردن امور دنیوی می‌گوید:

بند بگسل باش آزاد ای پسر!  
چند باشی بند سیم و بند زر

(مولانا، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۹)

آزادی اراده انسان و «حدود این آزادی از مباحث دشوار کلامی است. در مثنوی به این موضوع از دیدگاه کلامی و عرفانی، توأمان نگریسته شده است.» (محرمی، ۱۳۸۸: ۱۴۱)

آزادی عرفانی که آزادی از خویشتن را نیز بیان می‌کند:

هفت دریا را درآشامد هنوز  
کم نگردد سوزش آن حلق سوز

(مولانا، ۱۳۶۳، ج ۱: ۳۷۶)

حضور گسترده مفهوم آزادی در اشعار مولانا و زیرمجموعه‌ها و متعلقات آن به این دلیل است که مولانا «محصول دوران شکفتگی یک تمدن است. او در تمام جهان عصر خودش بی‌همتا بوده است. اگر متفکران قرن سیزدهم میلادی را در سراسر جهان مورد بررسی قرار دهیم، سهم مولانا در مقیاس بین‌المللی عصرش، سهم گسترده‌تری است. با مرگ او پایان عصر او، تمدن اسلامی محض می‌شود و در تمدن محض، از غول‌های تفکر و اندیشه، خبری نیست.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۳۱)

آزادی مثبت که به انسان حق انتخاب می‌دهد و برایش خوش‌آیند است:

این‌که فردا این کنم یا آن کنم  
خود دلیل اختیار است ای صنم!

(مولانا، ۱۳۶۳، ج ۱: ۳۲۴)

بسامد حضور مفهوم آزادی و متعلقات آن هم‌چون «اختیار» چنین است که «در شش دفتر مثنوی معنوی، پنجاه بیت مستقیماً به موضوع اختیار و آزادی انسان در برگزیدن راه خویش اشاره شده است. این نوع نگرش با آنچه متفکران باختر زمین از آزادی اراده کرده‌اند مطابقت بیشتری دارد، ولی در کل مثنوی معنوی شصت بار واژه اختیار و بیست بار واژه آزادی به کار رفته است.» (وفایی فرد و کزازی، ۱۳۹۴: ۶۳-۶۲)

مولانا آزادی را مرتبط با دین مطرح می‌کند که انسان همانند پیغمبر (ص) و حضرت علی (ع) باید خود را از قید نفسانیات برهاند. مولانا راهبر و ولی را کسی می‌داند که برای از قید راندن دیگران تلاش می‌کند:

زین سبب پیغمبر با اجتهاد  
نام خود و آن علی مولا نهاد

گفت هرکه را منم مولا و دوست  
ابن عم من علی مولای اوست



- کیست مولانا که آزادت کند  
بند رقیّت ز پایت بر کند
- چون به آزادی نبوت هادی است  
مومنان را ز انبیاء آزادی است
- ای گروه مومنان شادی کنید  
هم‌چو سرو سوسن آزادی کنید
- (مولانا، ۱۳۷۵، ج ۶: ۴۵۴۲-۴۵۳۸)
- اعتقاد مولانا بر «آزادی اراده و مخالف جبر است. او درباره تقدیر، با بیشتر متفکران اسلامی کاملاً متفاوت است. بنا به گفته او سرنوشت انسان جهاد یا سعی و عمل است.» (عبدالحمید و همکاران، ۱۳۷۰: ۱۵۶)
- قدر همت باشد آن جهد و دعا  
لیس للانسان الا ما سعی
- (مولانا، ۱۳۶۳، ج ۴: ۲۹۱۲)
- واهب همت خداوند است و بس  
همّت شاهی ندارد هیچ خس
- (مولانا، ۱۳۶۳، ج ۴: ۲۹۱۳)
- گاهی مولانا واژه اختیار را همراه با مفهوم تلاش برای انسان به کار می‌برد. تلاش انسان را منجر به تغییر سرنوشت او می‌داند. منظور آزادی در این دو بیت، آزادی است که با کسب آن یعنی اختیار، انسان می‌تواند به خواسته‌اش برسد:
- ذره‌ای گر جهد تو افزون بود  
در ترازوی خدا موزون بود
- (مولانا، ۱۳۶۳، ج ۵: ۳۱۴۵)
- جهد کن کز جام حق یابی نوی  
بی‌خودی و بی‌اختیار آن‌گه شوی
- (مولانا، ۱۳۶۳، ج ۵: ۳۱۰۵)
- مولانا آزادی را شایسته احترام نشان می‌دهد و به احترام گذاشتن به آزادی دیگران توصیه می‌کند. از دیدگاه جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی رعایت حقوق جمعی و فردی و مردمی است. حرمت آزادی را در قالب داستان نشان می‌دهد:
- گفت آخر از خدا شرمی بدار  
می‌کشی این بی‌گنه را زار زار
- گفت از چوب خدا این بنده‌اش  
می‌زند بر پشت دیگر بنده خوش
- چوب حق و پشت و پهلو آن او  
من غلام و آلت فرمان او
- گفت توبه کردم از جبر ای عیار  
اختیار است اختیار است اختیار
- (مولانا، ۱۳۷۵، ج ۵: ۳۰۷۷-۳۰۸۶)

### ۳- نتیجه گیری

ادبیات تطبیقی شاخه‌ای از ادبیات است که همانندی‌های گوناگون ادیبان و آثار ادبی را با توجه به ویژگی‌ها و شرایط گوناگون از جمله جامعه و حکومت بررسی می‌کند. در بررسی تطبیقی بلیک و مولانا نظر بر سبک و مکتب و شرایط زمانی و مکانی متفاوت این دو شاعر است که نشانه‌ها و ویژگی‌های مشترک این موارد سبب وجود نشانه‌های ادبی و فکری همانند در اشعار این دو شاعر شده است. وضعیت انسان و شرایط و ویژگی‌های اجتماعی که هر دو شاعر از آن سخن می‌گویند، به طور مشترک بایدها و ایده‌آل‌های فرهنگی بسیاری دارد.

ویلیام بلیک انسانی آرام و با روحیه‌ای سازگار بوده که با آرامش لحظات را سپری می‌کند. روحیه او کاملاً سازگار با جامعه روزگار خود نبوده است. روحیات بلیک از نگرش او نسبت به آزادی پیداست. ملکوت، مادی‌گرایی و علم‌پرستی، وحدت وجود و توجه به جهان درونی انسان و تخیل از جمله نشانه‌های سبک عراقی است که در اشعار مولانا وجود دارد و این نشانه‌ها در اشعار بلیک هم به چشم می‌خورد. آزادی برجسته در اشعار مولانا عرفانی و فردی است و با ترک تعلقات دنیوی و دلبستگی‌های معنوی و فردی بیان می‌شود. در مقابل آن آزادی برجسته در اشعار بلیک اجتماعی و سیاسی است.

آزادی مد نظر بلیک به دو دسته فردی و اجتماعی تقسیم می‌شود. در مکتب رمانتیسم بلیک آزادی یکی از اصول مهم است که به آزادی از ستم، کارگری و زبردستی و آزادی ذهن و تعلقات درونی توصیه می‌کند. شرایط اجتماعی بورژوازی و کارگری انقلاب صنعتی به همراه تخیل‌گرایی و عزت‌گزینی رمانتیسم سبب جلوه‌گری این دو بعد از آزادی در اشعار بلیک شده است.

آزادی که مولانا از آن می‌گوید و به آن توصیه می‌کند آزادی عرفانی و فردی است. با تکیه بر عرفان و سبک عراقی، مولانا آزادی از دنیا و تعلقات آن را می‌خواهد و هدف او رسیدن به معبود است. مادیات و تمایلات انسانی که روح انسان را درگیر خود کرده است.

به طور موردی آزادی در دیدگاه بلیک و مولانا این‌گونه است:

- آزادی اجتماعی، فردی و عرفانی در اشعار هر دو شاعر مورد نظر وجود دارد ولی در اشعار بلیک آزادی فردی و اجتماعی و در اشعار مولانا آزادی عرفانی و فردی و بسامد بالاتری را دارند.
- عرفان مولانا و مکتب رمانتیسم بلیک زمینه اصلی نگرش خاص آنها به آزادی شده است.

-در اشعار بلیک به طور غیر مستقیم حرف از آزادی و تشویق برای تلاش به آن است و جنبه خودجوش دارد ولی در اشعار مولانا با زبان صریح از آزادی عرفانی و معنوی و ترک تعلقات صحبت شده است.

## منابع

### کتاب‌ها

- ۱- ابجدیان، امرالله، (۱۳۸۳)، تاریخ ادبیات انگلیس، (جلد هفتم: شاعران رومانئیک)، چاپ دوم، شیراز: دانشگاه شیراز.
- ۲- اکبری، منوچهر، (۱۳۸۶)، مجموعه مقالات نکودشت پروین اعتصامی، تهران: خانه کتاب.
- ۳- برلین، آیزایا، (۱۳۶۸)، چهار مقاله درباره آزادی، مترجم محمد موحد، چاپ سوم، تهران: موسسه نهادگذاری مطالعات علمی و پژوهشی گویا.
- ۴- بلیک، ویلیام، (۱۳۸۱)، جزیره‌ای در ماه (گزیده اشعار عاشقانه)، مترجم: هوشنگ رهنما، چاپ سوم، تهران: هرمس.
- ۵- \_\_\_\_\_، (۱۳۹۴)، وصال بهشت و دوزخ، امید شمس، تهران: پارس.
- ۶- تراویک، باکتر، (۱۳۷۳)، تاریخ ادبیات جهان، مترجم عرب علی رضایی، چاپ سوم، تهران: نشر و پژوهش فروزان روز.
- ۷- ثروت، منصور، (۱۳۸۵)، آشنایی با مکتب‌های ادبی، تهران: سخن.
- ۸- جعفری جزی، مسعود، (۱۳۷۸)، سیر رمانتیسم در اروپا، چاپ پنجم، تهران: مرکز.
- ۹- جعفری، محمد تقی، (۱۳۸۲)، عوامل جذابیت سخنان مولوی، تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- ۱۰- شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۸۰)، ادوار شعر فارسی، تهران: سخن.
- ۱۱- شمیسا، سیروس، (۱۳۸۲)، سبک‌شناسی شعر، چاپ دوم، تهران: فردوس.
- ۱۲- شورل، ایو، (۱۳۸۲)، ادبیات تطبیقی، مترجم، طهمورث ساجدی، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
- ۱۳- صورتگر، لطف‌علی، (۱۳۷۲)، تاریخ ادبیات انگلستان، تهران: امیرکبیر.
- ۱۴- عبدالحکیم، اکرام و همکاران، (۱۳۷۰)، مولوی، نیچه و اقبال، مترجم محمد بقایی (ماکان)، چاپ دوم، تهران: حکمت.
- ۱۵- فروزانفر، بدیع‌الزمان، (۱۳۶۱)، احادیث مثنوی، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر.

۱۶- مولانا، جلال‌الدین، (۱۳۶۳)، **مثنوی معنوی**، به کوشش محمدرضا برزگر خالقی، چاپ سوم، تهران: زوار.

۱۷- \_\_\_\_\_، (۱۳۷۵)، **مثنوی معنوی**، به تصحیح رینولد نیکلسون، چاپ ششم، تهران: توس.

۱۸- میل، جان استوارت، (۱۳۶۳)، **رساله‌ای درباره آزادی**، مترجم جواد شیخ‌الاسلام، تهران: علمی و فرهنگی.

### مقالات

۱- بهنام‌فر، محمد و روشان، حسن، (۱۳۹۸)، بررسی تطبیقی مفهوم آزادی در اندیشه مولانا و مکتب اومانیسم، پژوهش‌های ادبیات تطبیقی، دوره ۷، شماره ۴: ۲۰۰-۱۶۲.

۲- خادم، مریم، (۱۳۹۰)، «رمانتیسم از انگلیس تا ایران نگاهی به جلوه‌های مکتب رمانتیسم در شعر ویلیام بلیک و پروین اعتصامی»، پژوهش‌نامه ادب حماسی (پژوهش‌نامه فرهنگ و ادب)، دوره ۷، شماره ۱۲: ۱۶۰-۱۳۱.

۳- خسرونژاد، مرتضی، (۱۳۷۸)، «معصومیت و تجربه» در شعر کودک کوششی در تدوین «نظریه نقد ادبیات کودک»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره پانزدهم، شماره ۱: ۱۱۲-۸۵.

۴- رضوانیان، قدسیه و هدایت‌نژاد، فاطمه، (۱۳۹۴)، بررسی تطبیقی مولفه‌های رمانتیک در شعر سهراب سپهری و ویلیام بلیک، ادبیات تطبیقی (ادب و زبان نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی کرمان)، س ۷، ش ۱۳: ۱۲۲-۱۰۱.

۵- روحانی، رضا، (۱۳۸۴)، «مولوی و آزادی، نشریه مطالعات عرفانی»، س ۱، ش ۱: ۱۱۴-۱۳۳.

۶- علیزاده امام‌زاده، محمدرضا، (۱۳۹۰)، بررسی تطبیقی مفهوم آزادی و مصادیق آن در اندیشه‌های کارل یاسپرس و مولوی، بهارستان سخن (ادبیات فارسی)، ش ۱۸: ۳۰-۱.

۷- قادری سهی، بهزاد و جان‌نثاری لادانی، زهرا، (۱۳۸۸)، آرمان‌شهر یا هزار توی خرد؟ جدول ویلیام بلیک با فرانسیس بیکن، پژوهش‌های زبان خارجی، ش ۵۴: ۸۷-۶۷.

۸- کشاورز، مسعود و رستمی، فرشته، (۱۳۸۴)، بررسی کارکرد تخیل در اشعار فروخ فرخزاد و سهراب سپهری بر اساس دیدگاه کالریج، فصل‌نامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی، س ۱، ش ۳:

۹- محرمی، رامین، (۱۳۸۸) نقد آزادی اراده انسان در مثنوی معنوی، فصل‌نامه پژوهش‌های ادبی، س ۶، ش ۱۳۹: ۲۵-۱۵۴.

۱۰- وفایی فرد، زهره و کزازی، میر جلال‌الدین، (۱۳۹۴)، مفهوم آزادی در اندیشه حافظ و مولانا و تطبیق آن با تفکر اگزیستانسیالیسم، مجله مطالعات ادبیات تطبیقی، س ۹، ش ۳۳: ۶۹-۵۱.

